انترناسونال ٧٤٣

**اعتراضات در اقلیم کردستان عراق**

پرسش از نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

از دوشنبه ۲۷ آذرماه اقلیم کردستان عراق شاهد تظاهرات گسترده‌ای بوده است. اعتراضات در سلیمانیه، چمچمال، سید صادق، تقتق، گرمیان، کفری، رانیه، کویه و حلبچه و ... که مناطق تحت کنترل اتحادیه میهنی است برپا شده است. در این اعتراضات چندین ساختمان و دفتر متعلق به اتحادیه میهنی، حزب دمکرات، حزب گوران و احزاب اسلامی به آتش کشیده شدند. پلیس به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخت و با گاز اشک آور، گلوله لاستیکی و ماشین های آب پاش به آنها حمله کرد. خبرگزاریها کشته شدن پنج نفر و زخمی شدن دهها نفر را گزارش کرده اند. در این رابطه با نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران گفتگو میکنیم.

**خلیل کیوان:** اعتراض مردم بخاطر چیست؟ آیا اعترضات خودجوش اند و یا سازماندهی شده اند؟ در این صورت سازماندهندگان آن چه نیروهایی هستند؟

**نسان نودینیان:** اعتراضات مردم در شهرهای کردستان عراق سابقه طولانی دارد. مشخصا از سه سال قبل با شدت و شتاب بالایی اعتراض کارکنان و معلمان علیه حقوق های پرداخت نشده، و جوانان علیه بیکاری در جریان است. در سه سال گذشته هزاران نفر در این اعتراضات با برپایی تجمعات اعتراضی در خیابانها حضور داشته اند. به همین دلیل مردم معترض تجارب ارزنده ای در برپایی تجمع های اعتراضی را دارند. مردم در کردستان عراق از حاکمیت احزاب ناسیونالیستی دو حزب بارزانی و اتحادیه میهنی، و احزاب گوران(تغییر) و سازمانهای اسلامی که در مجلس اقلیم کردستان هستند، ناراضی اند. مردم حاکمیت سیاه و پر از دزدی و چپاول احزاب ناسیونالیستس ــ اسلامی را تجربه کرده اند، لذا بجرات میتوان گفت که توهم به احزاب ناسیونالیستی بشدت کم شده است. با توجه به سابقه طولانی اعتراضات که اساسا برای تامین معیشت و حقوق های پرداخت نشده بوده است ، به نظر من خودجوش نیست. اعتراضات ١٨ و ١٩ دسامبر ادامه مبارزه و اعتراضات کارکنان، معلمان و جوانان است. و به نظر من درجه ای از سازماندهی را در اعتراضات میتوان دید. احزاب چپ و کمونیست حضور دارند، اما سازماندهی اعتراضات تحت هژمونی آنها نیست. آنچه عیان است شعار اصلی مردم "ارحل" یعنی بروید و گورتان را گم کنید است.

**خلیل کیوان:** آیا محدود بودن اعتراضات در مناطق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی به این معنی است که مردم به فقط به حاکمیت اتحادیه میهنی اعتراض دارند و اگر چنین است چرا دفاتر سایر احزاب را هم به آتش کشیدند؟

**نسان نودینیان:** اعتراضات متاسفانه به مناطق تحت نقوذ اتحادیه میهنی و گوران(تغییر) محدود شده است. اما این به این معنی نیست که مردم فقط به حاکمیت این احزاب در سلیمانیه اعتراض دارند. البته این را اضافه کنم که اعتراضات به سلیمانیه محدود نشده در حلبجه، عربد، رانیه و چند شهر کوچک اعتراضات وجود دارد. بدلیل اینکه شهر سلیمانیه یکی از شهرهای مهم اقتصادی است، دستگاه اداری احزاب اقلیم در این شهر هستند، جمعیتی نزدیک به دو میلیون در شهر و حومه زندگی میکنند. سلیمانیه شهر فرهنگی و دانشجویی هم است. برپایی اعتراضات بیشتر و تا حدودی هم ساده است. مردم به کل سیستم و نظام حاکم(اقلیم کردستان) اعتراض دارند. کارکنان و معلمان خواهان پرداخت حقوق های معوقه از سیستم اداری و حاکم در اقلیم کردستان هستند.

اعتراضات ١٨تا ٢٠ دسامبر به سلیمانیه و رانیه محدود نبود، در شهرهای کویه، چمچمال، هلبجه، سیدصادق، تقتق، کفری، پیرمگرون تظاهرات های کوبنده در جریان بود. همزمانی تجمعات اعتراضی در چند شهر و شرکت وسیع زنان و مردان و جوانان در تجمعات، اعتراضات را وارد فاز جدید کرد. عصبانیت و اعتراض مردم شعله ورتر و تعرضی تر شد، و در نتیجه به مقر یا دفاتر احزاب اقلیم حمله کردند و آنها را به آتش کشیدند. و البته دست نیروهای امنیتی و تیرانداری و کشتن معترضین هم بازتر شد. در اعتراضات ١٨تا ٢٠ دسامبر ٥ نفر جان خود را از دست دادند و ده ها نفر هم زخمی شدند. این تعداد کشته و زخمی در نارضایتی های چند سال گذشته را ما شاهد نبوده ایم. ١٨ دسامبر روز مهمی در اعتراضات مردم شهرهای کردستان علیه احزاب حاکم و ناسیونالیستی را ثبت کرد. این روز روز خشم ها فوران کرده علیه احزاب ناسیونالیستی بود.

**خلیل کیوان:** دامنه نارضایتی و اعتراضات در چه حد است؟ آیا این اعتراض به معنی روی برگرداندن تمام عیار مردم کردستان از احزاب حاکم است؟ آیا هدف این اعتراضات سرنگونی احزاب حاکم در اقلیم و برقراری نظم دیگری هستند؟

**نسان نودینیان:** مردم شهرهای کردستان عراق سال های متمادی است که از حاکمیت احزاب ناسیونالیستی نا امید شده اند. مقابله با دزدی و غارت زندگی مردم، یک جنبه مهم از اعتراض سیاسی مردم است. ثروتهای فرعونی کادرهای احزاب ناسیونالیستی ورد زبان مردم است. تفاوت طبقاتی و سطح معیشت، رفاه و بهره برداری آنها از اقتصاد و زندگی مرفه هر روز بیشتر دیده میشود. و فاکتور دیگر بند و بست و نوکری احزاب اقلیم با نظامهای حاکم در ترکیه، جمهوری اسلامی و دولت مرکزی، میباشد. مردم از به اصطلاح دیپلماسی اینها ناراضی و بشدت عصبانی هستند. جلو چشم مردم شهرهای کردستان، رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی ده ها نفر از افراد و کادرهای اپوزیسیون را ترور کرده است. لشکر کشی نظامی از مرز های مشترک به مقر و اُردوگاه های حزب دمکرات کردستان ایران و ده ها مورد دیگر با همکاری احزاب ناسیونالیستی در اقلیم انجام شده است. و مورد زنده حمله ١٦ اکتبر حشد الشعبی و دولت مرکزی عراق به اقلیم با فرماندهی قاسم سلیمانی و سپاه پاسداران است. بخش بزرگ از نیروهای تحت امر جلال طالبانی و تعدادی از اعضای رهبری حزب بارزانی مخفیانه با حمله ١٦ اکتبر همرامی کردند و مانع پیروز قطعی مردم در اجرایی کردن نتایج رفراندوم ٢٥ سپتامبر شدند.

در مورد مساله سرنگونی با یک مثال اُبژکتیو شروع میکنم. مردم در ایران خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. جمهوری اسلامی نظام سیاسی سرمایه در ایران است. مردم میتوانند نظام سیاسی ایران را سرنگون کنند، اما به نظر من در کردستان عراق صورت مساله متفاوت است، احزاب را نمیتوان سرنگون کرد. احزاب میتوانند در پوزیسیون و در اپوزیسیون باشند. بعنوان مثال زنده در ٢٠ دسامبر دو حزب گوران و حزب اسلامی کومه ل ( حزب جمعیت اسلامی ) با ایجاد جبهه ائتلافی اعلام کردند که از دایره قدرت اقلیم کردستان خارج میشنوند، و بعنوان احزاب اپوزیسیون به اصطلاح در اعتراضات شرکت میکنند. هر چند وجود اینها در کنار اعتراضات مردم زنگ خطر جدی است و وجود اینها سمی خطرناک علیه خواستهای کارکنان و معلمان است، علیه رادیکالیسم اعتراضی است، اما تصمیم گرفته اند از دایره احزاب حاکم اقلیم کناره گیری کنند.

در سیستم کنونی اقلیم کردستان احزاب اصلی بارزانی و اتحادیه میهنی سرنگون نمیشوند. مردم معترض هم، هنوز برنامه و پلاتفرمی برای اعمال حاکمیت ندارند. همچنانکه در جواب به سئوالهای قبلی گفتم؛ چپ و سوسیالیستها و یا کمونیسم کارگری هم آنچنان قدرتمند نیستند که با اعمال هژمونی سیاسی و متکی بر شوراهای شهری و محلات ارگانهای قدرت را اعلام و امور را بدست نمایندگان منتخب مردم بسپارند. در چنین شرایطی است که احزاب سرنگون نمیشوند. اعتراضات و مبارزه مردم علیه احزاب ناسیونالیستی ادامه دار خواهد بود و تغییرات مهمی باید در سطح رهبری و سازماندهندگان اعتراضات ایجاد شود. مردم نباید فریب در اپوزیسیون قرار گرفتن دو حزب ائتلافی گوران و حزب جمعیت اسلامی را بخورند. همچنانکه گفتم؛ حضور اینها سم خطرناکی است. اینها قدرت این را دارند که دست دخالت جمهوری اسلامی و دولت مرکزی را در اعتراضات مردم باز کنند.

مساله این است که اتحادیه میهنی در بحران و بن بست سیاسی قرار دارد، هست و نیستش به کمک و همکاری سپاه قدس و جمهوری اسلامی گرده خورده است. دولتهای ایران و دولت مرکزی عراق به شرایط بحرانی اتحادیه میهنی تسلط دارند. جمهوری اسلامی ضامن حفظ و سرپا نگهداشتن اتحادیه میهنی است. ترکیه و حزب اسلامی اردوغان در شرایط کنونی با حزب بارزانی رابطه نزدیکی دارد. دولت ترکیه دست بالایی در سرمایه گذاری در مرزها و اقلیم کردستان را دارد. اینها فاکتورهای مهمی هستند.

در یک کلام؛ تقویت اعتراضات مردم، شفافیت شعارها و خواستها، دخالت چپ و سوسیالیستها و جلب حمایتهای بین المللی از اعتراضات مردم امر ما است. ما با فعالین این اعتراضات در تماس نزدیک و روتین تری باید قرار گیریم. تلاش کرده ایم اخبار اعتراضات، اوضاع سیاسی و پروبلماتیک های سیاسی منطقه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. تقویت چپ و سوسیالیستها و کمونیسم کارگری امر فوری ما است.